

علم حديث

۶۱

فصلنامه علمی - پژوهشی

سال شانزدهم / شماره سوم / پاییز ۱۳۹۷

اصل حمل بر صحبت: اعتبار و کاربرد

شناسخت خصوصیات مخاطبان معصومان(ع) و تأثیر آن در فهم حدیث

منابع غیر مستقیم فن رجال: گونه‌ها و کاربردها از نگاه علامه شوشتاری در قاموس الرجال

گونه شناسی روایات القراءات سیاری

بررسی دو نظریه درباره «وارثان برگزیده قرآن» (با تأکید بر احادیث امامیه)

بررسی رویکرد مقدس از دلیلی به اخبار و روایات سبب نزول

بررسی و تحلیل احادیث شیعه درباره قضا شدن نماز سیح پیامبر(ص)

نقش غالیان در انتشار تهمت غلو به جابر جعفر

بررسی و نقد سند و متن حدیث «کنز مخفی»

بررسی و نقد سند و متن حدیث «کنز مخفی»

مهدی آربان فر*

حسن نقیزاده**

چکیده

در متون اسلامی، بویژه متون عرفانی و فلسفی حدیثی قدسی با این عبارت یا شبیه آن به چشم می خورد: «کنت کنزاً مخفیاً فخلقت الخلق لکی اعرف»، که به صورت گسترشده و به مناسبتهای گوناگون از جمله فلسفه آفرینش مورد استناد قرار می گیرد.

این حدیث می تواند با چند رویکرد مورد بررسی قرار گیرد: با رویکرد شباهات محتوایی حدیث که مباحث فلسفی و کلامی و عرفانی را تشکیل می دهد و توضیحات و شروح متعدد حدیث مزبور ناظر به این جنبه است، با رویکرد تأثیر آن بر عرفان نظری و همچنین سیر تاریخی آن، و بالاخره با رویکرد علم الحدیث که با این رویکرد به جزا ظهار نظرهای متناقض و پراکنده در لایه لای کتابهای اسلامی تحقیق مستقلی صورت نگرفته است. رویکرد اخیر، برخلاف رویکردهای گذشته - که بیشتر با تأیید و پذیرش حدیث همراه است - با دیدگاه نقادانه دانش حدیثی به سراغ آن رفته است و با استناد به قرایبی همچون الفاظ حدیث، موضوع حدیث، سند حدیث و دیدگاه محدثین و نقد محتوایی اجمالی، ساختگی بودن آن را به عنوان حدیث نتیجه گیری نموده: گرچه از جنبه محتوایی با تأویلاتی می تواند قابل قبول باشد.

کلید واژه ها: کنز مخفی، فقه الحدیث، فلسفه آفرینش، عرفان و حدیث.

درآمد

یکی از احادیث نسبتاً مهمی که در لایه لای آثار و نگاشته های دینی به صورت گسترشده مورد

* دانشجوی دکتری دانشکده الهیات فردوسی مشهد.

** استادیار دانشکده الهیات فردوسی مشهد.

استناد قرار گرفته، حدیث «کنز مخفی» است. این حدیث - که به موضوع فلسفه آفرینش مربوط می‌شود - در متون عرفانی^۱ و نیز کتاب‌های فلسفی^۲ و گاه در متون تفسیری^۳ و غیره^۴ آمده است. شهرت حدیث به اندازه‌ای است که کمتر کسی در اصل اعتبار آن تشکیک می‌کند و بیشتر تلقی می‌شود که اصل آن خدشه ناپذیر باشد.

درجه اهمیت و صیت شهرت حدیث به قدری بالا گرفته که بیش از ده شرح و توضیح مستقل برای آن نگاشته‌اند و بیشتر آنها در ضمن کتاب‌های عرفانی و فلسفی وجود دارد؛ به عنوان نمونه برخی از آنها عبارت اند از: شرح حدیث «کنت کنزاً مخفیاً»، منسوب به نجم الدین^۵، شرح حدیث «کنت کنزاً مخفیاً»، تألیف بالی حلیفة در قرن دهم هجری^۶، الرسالۃ الکاشفة فی شرح حدیث «کنت کنزاً مخفیاً»، تألیف صباح الدین علی بن علی شعوری بالیکسری^۷، الاعیان الثابتة (شرح حدیث قدسی «کنت کنزاً مخفیاً») که در ضمن کتاب کلمات المحققین چاپ شده است^۸ و حل مشکل معنای حدیث «کنت کنزاً مخفیاً» که به شکل نسخه خطی بوده و در کتابخانه ملی موجود است.^۹

مهم‌تر آن که این حدیث توسط فیلسوفان، عارفان و فقیهان بزرگی شرح و توضیح داده شده که مراتب علمی آنان بر کسی پوشیده نیست؛ بزرگانی چون: صدرالمتألهین،^{۱۰} فیض کاشانی،^{۱۱} ملا احمد نراقی،^{۱۲} مرحوم شاه آبادی^{۱۳} و امام خمینی^{۱۴} از این جمله‌اند.

رویکرد عالمانی که این حدیث را مورد استناد قرار داده‌اند، گویا مبتنی بر تأیید و پذیرش اصل آن به عنوان حدیث قدسی است. اما از سوی دیگر، دانشمندانی که بیشتر آنان محدث‌اند، این حدیث را جعلی دانسته‌اند. بنا بر این، محقق با دیدگاه‌های متناقض و پراکنده‌ای درد را قبول این حدیث رو به رو می‌گردد. با توجه به این که تحقیق مستقلی با رویکرد علم الحدیثی نسبت به

۱. الفتوحات المکتبة، ج ۱۲، ص ۵۷۴.

۲. مفاتیح الغیب، ص ۲۹۳.

۳. روح السنما، ج ۱، ص ۴۹.

۴. مانند: خاتم السین: لذت، ص ۲۰۴.

۵. جاویدان خرد، شماره ۳، ص ۳۱-۲۷.

۶. کشیف الظفون، ج ۲، ص ۱۰۴۰.

۷. ایضاح المکتبون، ج ۱، ص ۵۶۸.

۸. الدریعة، ج ۱۳، ص ۲۰۵.

۹. به شماره: ع/۸/۲۳۶.

۱۰. مجموعه رسائل فلسفی صدرالمتألهین، ص ۳۵۶.

۱۱. اصول المعارف، ص ۷۹.

۱۲. مراجع السناد، ج ۱، ص ۲۴.

۱۳. رشحات البخار، ص ۱۴۳.

۱۴. آداب الصلوة، ص ۱۵۱.

این حدیث صورت نگرفته است، این مقاله در صدد است تا با کمک قرایین و شواهد موجود، حدیث را از دو جنبه سند و متن، نقد و بررسی کند. پرسش اصلی این است که آیا حدیث قدسی «کنز مخفی» در منابع حدیثی با عنوان حدیث ذکر شده است تا به مثابه حدیث تلقی گردد؟ اعتبار سند آن چگونه است؟ و سرانجام متن و محتوای آن نیز با کدامین چالش‌ها مواجه است؟ در این باره، ابتدا سند و سپس متن و محتوای حدیث مذبور را بررسی می‌کنیم.

متن حدیث

حدیث مورد نظر گاهی به پیامبر اسلام ﷺ منتبه شده است^{۱۵} و گاه از زبان پیامبری چون حضرت داود^{۱۶} نقل شده که در مناجات با خداوند از فلسفه آفرینش پرسیده است و خداوند در پاسخ وی، آن را بازگو فرموده است.^{۱۷} متن حدیث نیز با عبارات گوناگون و الفاظ مختلفی نقل شده است که برخی از نقل‌ها بدین گونه‌اند:

حکی فی بعض الأخبار أن نبیاً من أنبياء الله تعالى قال فی مناجاته مع ربه: يارب! إلم خلقت الخلق بعد أن لم تكن خلقتة؟ فقال له ربه، على سبيل الرمز: كنزاً مخفیاً من الخبرات والفضائل، لم أکن أعرف فاردت أن أعرف.^{۱۸}

قال الله تعالى: كنت كنزاً مخفیاً فاحببت ان اعرف فخلقت الخلق وتحببت اليهم بالتعلم حی عرقوف.^{۱۹}

قال لبعض أنبيائه^{۲۰} وقد سأله: لم خلقت الخلق بارب؟ بقوله: كنت كنزاً مخفیاً إلم أعرف فخلقت الخلق لأعرف.^{۲۱}

كنت كنزاً مخفیاً فاردت أن أعرف فخلقت الخلق في عرقوف.^{۲۲}

كنت كنزاً لا أعرف فاحببت ان اعرف.^{۲۳}

روى عن رسول الله ﷺ عن الله سبحانه، أنه قال: كنت كنزاً إلم أعرف، فاحببت أن أعرف فخلقت الخلق وتعرفت إليهم لعرفون.^{۲۴}

۱۵. به عنوان نمونه رک: الفتوحات، ج ۲، ص ۲۲۲.

۱۶. به عنوان نمونه رک: معد الهمم، ص ۲۳.

۱۷. رسائل الحovan الصلا، ج ۲، ص ۲۵۷.

۱۸. مجموعه رسائل و مصنفات کاشانی، ص ۳۷۱.

۱۹. المحکمة الفتحیة، ج ۶، ص ۲۰۱.

۲۰. تفسیر المراغی، ج ۲۵، ص ۱۲۳.

۲۱. شرح نوع البلاغة، ج ۵، ص ۶۳؛ فصوص الحكم، ج ۲، ص ۱۱۲.

۲۲. الفتوحات، ج ۲، ص ۱۱۲.

کنت کنزاً مخفیاً فاحببت ان اعرف، فخلقت الخلق لکی اعرف.^{۲۳}

از میان موارد ذکر شده، مورد هفتم مشهورترین چهره نقل حدیث است که بیش از سایر نقل‌ها، بویژه در متون معاصر، شهرت یافته است. در برخی از منابع به جای واژگان «لکی اعرف»، «لا اعرف» آمده است.^{۲۴} و در برخی نقل‌ها تقطیع شده و بدون «لکی اعرف» وارد شده است.^{۲۵} دیگر این که عدم وجود واژه «مخفیاً» در نقل ابن ابی الحدید و نیز ابن عربی - که عارفی عرب زبان بود - احتمال دارد به نکته‌ای برگردد که در بحث مفهوم شناسی بدان خواهیم پرداخت.

این اختلاف نقل‌ها گرچه به نوعی موجب اضطراب در متون حدیث می‌شود، اما از آنجا که چندان خدشه‌ای به حوزه معنایی وارد نمی‌سازد، نمی‌تواند مشکل ساز باشد. از این رو، در این نوشتار می‌توان به همان نقل مشهور نظر افکند. اینک حدیث را در منابع شیعی و اهل سنت جستجو می‌نماییم:

کاوشی در منابع و مصادر حدیث

در اینجا مناسب است متون حدیثی و منابع روایی را دسته‌بندی کرده و حدیث کنزاً مخفی را در هریک جداگانه جستجو می‌کیم:

جواب حدیثی متقدم

در لایه‌ای آثار گران‌ستگ، حدیث شیعه و اهل سنت در جواب متقدمان دو طایفه گردآوری شده است. جستجو در این منابع مشخص می‌کند که از حدیث مزبور اثری یافت نمی‌شود. در این میان، کتب اربعه حدیثی شیعه، یعنی کتاب الکافی شیخ کلینی، کتاب من لا يحضره الفقيه شیخ صدوq، التهذیب والاستبصار شیخ طوسی و همچنین صحاح سنه اهل سنت از اعتبار و شهرت فراوانی برخوردارند. این منابع به اضافه دیگر منابع متقدمین، همچون مسنـد احمد بن حنبل، الموطأ ابن مالک، معجم طبرانی (کبیر و صغیر)، نهج البلاغه، الامالی های سید مرتضی و شیخ مفید و طوسی و ده‌ها منبع حدیثی دیگر مورد جستجو و تحقیق قرار گرفت، اما حدیث کنزاً مخفی یا مضمونی قریب به متن آن به هیچ عنوان در این جواب می‌باشد.^{۲۶}

جواب حدیثی متاخر

از مهم‌ترین جواب متأخر شیعه: کتاب‌های الواقی فیض کاشانی، وسائل الشیعه شیخ حر عاملی

۲۳. مفاتیح الغیب، ص ۲۹۳، آداب الصلوة، ص ۱۵۱.

۲۴. تفسیر خراسان و ریاض القرآن، ج ۲، ص ۱۷۵.

۲۵. کشف الاسرار و عدة الابرار، ج ۶، ص ۴۷۷؛ جامع الاسرار و منبع الانوار، ص ۱۰۲ و ۱۴۴ و ۱۶۴.

۲۶. بدین منظور نرم افزارهایی همچون جامع الاخبار و منبع الانوار، معجم فقهی و کتابخانه اهل بیت علیهم السلام در جستجوی واژگان حدیث مورد استفاده قرار گرفت.

و بخارا لانوار علامه مجلسی است و در میان اهل سنت نیز مهم‌ترین آنها جامع الصغیر سیوطی، کنز العمال متفق هندی و مجمع الزوائد هیثمی است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که به هیچ عنوان، نه متن حدیث و نه جمله‌ای که قریب به مضمون آن باشد، در منابع فوق، بجز کتاب بخارا لانوار یافت نمی‌شود.

نهایا علامه مجلسی، حدیث را دوبار ذکر کرده است: بار اول، ضمن توضیح روایتی در جمله «تم نورک فهدیت» - که بخشی از دعای قنوت نماز و تراست - به این حدیث اشاره می‌کند و می‌نویسد:

بيان تم نورک فهدیت، قال الوالد عليه السلام أى لما كانت كالاتك تامة هدیت عبادک كما قال سبحانه
كنت كثراً مخفياً فأحببت أن أعرف فخلقت الخلق لكي أعرف.^{۲۷}

در جای دیگر نیز، ضمن شرح دعای صباح امیر المؤمنین عليه السلام و در خلال توضیح واژگان دعای مذبور به این حدیث اشاره می‌کند:

قولهم لا يعرف الله إلا به، أو هو سبحانه أعطى العقل وأوحد ما يستدل به العقل عليه، كما روى
كنت كثراً مخفياً فأحببت أن أعرف، فخلقت الخلق لكي أعرف.^{۲۸}

همان طور که مشاهده می‌شود، علامه مجلسی این حدیث را نه به عنوان احادیث اصلی، بلکه استطراداً به عنوان شاهد ذکر می‌کند و هیچ گونه سندی هم بروای آن نمی‌آورد. بنا بر این، ذکر حدیث، گویا توسط ایشان، تنها به خاطر شهرت و رواج آن بوده است؛ زیرا در غیر این صورت آن را در زمرة احادیث اصلی کتاب می‌آورد. پس نمی‌توان ادعا نمود که صرف آوردن روایت، دلیلی بر صحت و تأیید آن به عنوان حدیث توسط علامه مجلسی باشد.

سایر منابع حدیثی

حدیث یاد شده در سایر کتاب‌های حدیثی نیز که برخی بر حسب موضوعات و موارد گوناگون تدوین شده‌اند، یافت نمی‌شود؛ کتاب‌هایی چون قم德 الرضا عليه السلام، تحف العقول، بصائر الدرجات، قرب الاسناد و کتب ادعیه مانند کامل الزیارات. تنها در شرح اصول الكافی مرحوم محمد صالح مازندرانی، در ضمن توضیح خطبه کتاب از آن یاد نموده است. اما مرحوم شعرانی در تعلیقه خود به نقد محتوایی آن پداخته که در پایان به این نقد اشاره خواهد شد. طرفه آن که در کتاب معروف احادیث قدسی شیخ حر عاملی به نام العجواهر السنیة فی الاحادیث القدسیة نیز اثری از این حدیث یا مشابه آن به چشم نمی‌خورد.

۲۷. بخارا لانوار ج ۸۴، ص ۱۹۹.

۲۸. همان، ج ۸۴، ص ۲۴۵.

داوری برخی از حدیث پژوهان متأخر یا معاصر

برخی از عالمان و محدثان شیعه هم به مناسبت، از حدیث کنز مخفی سخن به میان آوردند و به نقد آن پرداخته‌اند. شوشتاری (۱۰۱۹م) در *احراق الحق*^{۲۹}، شیخ علی نمازی (۱۴۰۵م) در *مستدرک سفیہ الحار*^{۳۰} و از عالمان اهل سنت نیز؛ زرکشی (۷۹۴م) در *الآلس المشورة*^{۳۱} سخاوی (۹۰۲م) در *المقاصد الحسنة*^{۳۲}، ابن کنانی (۹۶۳م) در *رتیبه الشريعة*^{۳۳}، فتنی (۹۸۶م) در *تلکرة الموضوعات*^{۳۴}، عجلونی (۱۱۶۲م) در *كشف الخفاء*^{۳۵}، ابو المحاسن قاوچی (۱۳۰۵م) در *اللوالو المرصوع*^{۳۶} و صابطی در *جامع الاحادیث القدسیة*^{۳۷} همگی حدیث را جعلی دانسته‌اند. البته مستند قول اهل سنت، بیشتر ابن تیمیه (۷۲۸م) است که می‌گوید:

لیس من کلام النبی ﷺ ولا اعرف له استاداً صحيحاً ولا ضعيفاً.^{۳۸}

در این میان، برخی ضمن مجعلو دانستن حدیث، محتوای آن را صحیح و مطابق با قرآن دانسته‌اند.^{۳۹}

اعتراف ابن عربی

وی در کتاب *الفتوحات* می‌گوید:

ورد في الحديث الصحيح كشفاً، الغير ثابت نقلأً عن رسول الله عن ربـه - جل وعزـه - انه قال ما
هذا معناه، كنت كثـراً لم اعرف ...^{۴۰}

با توجه به این اظهارات معلوم می‌شود حدیث ساخته عرفایی همچون ابن عربی است که از راه مکاشفه بدان راه یافته‌اند و گزاره‌ای که از راه مکاشفه به دست آمده باشد، نمی‌تواند مشمول عنوان حدیث قرار گیرد؛ زیرا طریق کشف و شهود تنها برای خود عارف حجت است، اما برای

۲۹. همان، ج. ۱، ص. ۶۲۴.

۳۰. همان، ج. ۹، ص. ۱۹۳.

۳۱. همان، ج. ۱، ص. ۱۳۶.

۳۲. همان، ج. ۱، ص. ۵۲۱.

۳۳. همان، ج. ۱، ص. ۱۴۸.

۳۴. همان، ج. ۱، ص. ۱۱.

۳۵. همان، ج. ۲، ص. ۱۳۲.

۳۶. همان، ج. ۱، ص. ۱۲۲.

۳۷. همان، ج. ۱، ص. ۶۶.

۳۸. *التفاوی الکسری*، ج. ۵، ص. ۸۸.

۳۹. مانند: ملا علی قاری (۱۰۱۴م) در *الاسرار المرفوعة*، ص. ۲۷۳.

۴۰. *قصوس الحكم*، ج. ۲، ص. ۳۹۹.

دیگران وقتی از اصالت و اعتبار برخوردار می‌گردد که فقط از طریق راویان به معصوم علیهم السلام مرتبط شود. در غیر این صورت، ممکن است حدیث جعلی و ساختگی باشد.

خاستگاه صدور حدیث

بر خلاف نظر برخی که ورود این حدیث را از طبقات الصوفیه، تألیف خواجه عبدالا... انصاری (۴۸۱م ق)، نوشته ۴۶۱ هجری می‌دانند.^{۴۱} تحقیق بیشتر حکایت از آن دارد که ورود این حدیث به اوایل قرن چهارم می‌رسد. قدیمی‌ترین کتاب در بردارنده حدیث - که به دست ما رسیده است - کتاب رسائل اخوان الصفا است که از دیدگاه محققان و مصححان کتاب، تألیف آن قرن چهارم است.^{۴۲} برخی تألیف آن را در ۲۵۰ هجری می‌دانند.^{۴۳} در متن عبارت این کتاب - که پیش از این بازگو شد و ضمن نقل‌های مختلف متن حدیث گذشت - چنین می‌گوید: «حکی فی بعض الاخبار...» از این رو، معلوم می‌شود که حدیث از منبع دیگری اخذ شده است و بر ساخته مؤلفان این رسائل نیست.

از طرف دیگر، خالی بودن منابعی همچون قوت القلب ابوطالب مکی و احیاء العلمون غزالی و دیگر عرفای آن سده از نقل روایت، این گمان را تقویت می‌کند که صدور آن نباید به قبل از قرن چهارم مربوط باشد؛ چرا که در این صورت باید در برخی از این منابع، اثری از حدیث یافت می‌گردید.

افزون بر این، رساله منسوب به بوعلی سینا (۴۲۸م ق)، با عنوان رساله در حقیقت و کیفیت سلسله موجودات و تسلسل اسباب و مسیبات بر جای مانده است که متن حدیث را آورده است: پس موجب ایجاد موجودات ظهور اول حق است؛ چنانکه اشارت آمد: «کنت کنزآ مخفیاً و اردت ان اعرف (فخلقت الخلق لکی اعرف)».^{۴۵}

و این نکته خود قرینه دیگری بر صدور حدیث قبل از کتاب طبقات الصوفیه است. اوج نشر و گسترش این حدیث را می‌توان به دوره محبی الدین عربی (۶۳۸م ق) مربوط دانست. وی که پایه گذار عرفان نظری به شمار می‌رود، روایت را در اکثر کتاب‌های خود، مانند الفتوحات،^{۴۶}

۴۱. حدیث کنز مخفی و سیر تاریخی آن، ص ۱۶.

۴۲. رسائل اخوان الصفا، ج ۱، ص ۵.

۴۳. المدیثه سیاسی اخوان الصفا، ص ۲۸؛ الدریعة، ج ۸، ص ۹؛ معجم المطبوعات العربية والمعربة، ج ۱، ص ۴۰۹.

۴۴. رسائل اخوان الصفا، ج ۲، ص ۳۵۷.

۴۵. رساله در حقیقت و کیفیت سلسله موجودات و تسلسل اسباب و مسیبات، ص ۷.

۴۶. ج ۲، ص ۱۱۲، ۱۱۳، ۲۳۲، ۳۲۲، ۳۱۰، ۳۳۹، ۳۳۱، ۳۲۲، ج ۴، ص ۴۲۸.

ج ۳، ص ۳۴۷، ج ۲، ص ۲۶۷.

فصوص الحكم.^{۴۷} عقلة المستوفر^{۴۸} و رسائلش^{۴۹} ذکر و به شدت از آن دفاع کرده است. بعد از او، گویا متن یاد شده، به طور گستردگی درون منابع عرفان و فلسفه راه می‌باید و مورد استناد و شرح قرار می‌گیرد. نمونه‌هایی از آثار عارفان و فیلسوفانی که این حدیث را آورده‌اند - افزون بر مواردی که قبل از ذکر شد - بدین قرارند: طبقات الصوبیه^{۵۰} از خواجه عبدالله انصاری (۴۸۱م)، مثنوی معنوی^{۵۱} و فیه ما فیه^{۵۲} از مولوی (۶۲۸م)، رساله النصوص^{۵۳} از صدرالدین قونوی (۶۷۲م)، مشارق الدارای^{۵۴} از سعید فرغانی (۶۹۱م)، تاریخ گزیده^{۵۵} از احمد مستوفی (۷۳۰م)، مصباح الاس^{۵۶} از ابن فناری (۸۳۴م)، تمہید القواعد^{۵۷} از صائب الدین (۸۵۳م)، عوالی اللئالی^{۵۸} از ابن ابی جمهور الاحسانی (محدود ۸۸۰م)، الدرة الفاخرة^{۵۹} از عبد الرحمن جامی (۸۹۸م)، تفسیر المحيط الاعظم و البحر الخضم^{۶۰} از سید حیدر آملی (۸۰م)، کسر الاصرام الجاهلية^{۶۱} از صدرالمتألهین (۱۰۵۰م)، اصول المعارف^{۶۲} از فیض کاشانی (۱۰۹۱م)، اسرار الحكم^{۶۳} از محقق سبزواری (۱۲۸۸م)، تفسیر بیان السعاده فی مخامات العبادة^{۶۴} از گنابادی (۱۳۲۷م). و دهها کتاب دیگر که بیشتر از عرفان، متصوفه و فلاسفه بوده‌اند.

بررسی متن حدیث

پس از واکاوی سندی، وضعیت متن و محتوا را مورد تأمل قرار می‌دهیم:

.۲۰۳. ۴۷

.۴۸. ۴۸

.۴۹. رسائل ابن عربی، صن ۱۹۷ و ۱۹۶.

.۵۰. ص. ۶۴۵

.۵۱. ص. ۷۰۱

.۵۲. ص. ۳۵

.۵۳. ص. ۴۲

.۵۴. ص. ۵۷۹

.۵۵. ص. ۱۲۸

.۵۶. ص. ۳۸۷ و ۴۷۳

.۵۷. ص. ۱۵۸

.۵۸. ج. ۱، ص. ۵۵

.۵۹. ص. ۱۵۱

.۶۰. ج. ۲، ص. ۱۱۱

.۶۱. ص. ۱۷۹

.۶۲. ص. ۷۹

.۶۳. ص. ۸۲

.۶۴. ج. ۴، ص. ۱۱۷

از میان مفردات حدیث دو واژه «کنز» و «مخفى» نیازمند توضیح است:

۱. واژه کنز

واژه، کنز به معنای گنج، به مالی گفته می‌شود که انسان ذخیره و دفن می‌نماید^{۶۵} از نظر فقهی هر مالی است که زکاتش را پرداخته‌اند. روایت «کل مال لا تؤدى زکاته فهو كنز» برای نکته دلالت دارد.^{۶۶} برعی کنزا عبارت از گردآوری و جمع دانسته‌اند^{۶۷} که بازگشت آن از یک جهت به همان معنای پیشین است؛ زیرا در گنج مفهوم جمعیت نهفته است؛ گرچه جمع با پنهان کردن و دفن کردن مساوی نیست. مراد از کنزا در حدیث مورد بحث، دارایی و غنای حق تعالی است.^{۶۸}

از این نکته نباید غافل ماند که لغت شناسان معروفی مانند خلیل بن احمد، ابن منظور، جوهري، طریحی و ابن اثیر که غالباً در مقام برسی واژه مورد بحث به آیات و روایات مربوط اشاره کرده و شواهدی را آورده‌اند، هیچ کدام به مناسبت ذکر واژه کنزا در حدیث کنزا مخفی اشاره نکرده‌اند! این امر می‌تواند تأیید کننده این فرضیه باشد که در عصر آنان یا این حدیث موجود نبوده و یا حداقل از شهرت کنونی را نداشته است.

البته عدم ذکر این حدیث، به تناسب توضیح برعی از واژگان آن در کتب لغت، گرچه دلیلی بر اثبات جعل و وضع آن نیست، اما دست کم می‌تواند قرینه‌ای بر ادعای یاد شده محسوب گردد.

۲. واژه مخفى

با آن که این واژه، به ظاهر از ریشه خفى، به معنای پنهان و پوشیده گرفته شده است.^{۶۹} خفى به معنای آشکار کردن نیز آمده است. گفته می‌شود: «خفیته ای اظهرته».^{۷۰} از این رو، این واژه می‌تواند از اضداد باشد.

ریشه «خفى» به صورت‌های ثلاثی مجرد و مزید در باب‌های افعال (اختفاء)، تفعیل (خفى)، افتعال (اختفاء) و استفعال (استختفاء) آمده است؛ اما در هیچ کدام از این اشتراق‌ها و طبق گفته هیچ لغت‌شناسی واژه «مخفى» وجود ندارد. گویا استعمال واژه مخفى خلاف فصاحت عربی است و مورد استعمال عرب نبوده است؛ چنان که در آیات قرآن و احادیث فربیقین نیز موردی یافت نشد.

۶۵. کتاب العین، ج. ۵، ص ۲۲۱؛ الصحاح، ج. ۳، ص ۸۹۳.

۶۶. رسائل الشیعه، ج. ۹، ص ۳۰.

۶۷. موسوعة مصطلحات الامام فخرالدین الرازی، ص ۶۳۵.

۶۸. شذرات المعرفة، ص ۸۰.

۶۹. المفردات، ص ۱۵۲.

۷۰. الصحاح، ج. ۴، ص ۲۲۲؛ لسان العرب، ج. ۱۴، ص ۲۲۴.

که در آن از واژه «مخفی» استفاده شده باشد.

این مطلب خود یکی از چالش‌های عمدۀ حدیث کنز مخفی است که برخی از دانشمندان نیز آن را دلیل بر ساختگی بودن حدیث دانسته‌اند.^{۷۱} با توجه به این نکته، ذهنیت ورود حدیث از منابع غیر عربی، مانند فارسی زبانان تقویت می‌شود.

موضوع حدیث

از معیارهای اهمیت حدیث، اهمیت موضوع آن است. اگر موضوع حدیثی سرنوشت ساز باشد، دقیق و تأمل بیشتری درست و دلالت می‌طلبد. از این رو، فقیهان به احادیث فقهی بیش از سایر احادیث اهتمام ورزیده و احادیث احکام را مورد توجه ویژه قرار می‌دهند؛ چراکه مربوط به حوزه اعمال مکلفان است.

اما باید دید موضوع حدیث مورد بحث - که با جنبه‌های اعتقادی سروکار دارد - از چه جایگاهی برخوردار است. آیا مفاد این گونه احادیث هم، مانند مفاد احادیث «من بلغ» است^{۷۲} که به گفته برخی عالمان دینی نیازمند بررسی سندی نیست؟^{۷۳} یا این که با توجه به جنبه اعتقادی این نوع احادیث، واکاوی آن بیشتر ضرورت دارد؟
دیدگاه بیشتر دانشمندان و برداشت‌های دقیق عرفانی و فلسفی از حدیث مورد بحث، مؤید نظر اخیر است. از این رو، باور به عدم اعتبار خبر واحد در گزاره‌های اعتقادی، دیدگاه مشهور امامیه است:
بناء الامامية على عدم الاعتماد على خبر واحد في اصول ...^{۷۴}

البته در اینجا دیدگاهی وجود دارد که میان اصول عقاید و کلیات آن، با جزئیات عقاید - که مجرد عقد قلب و تسليم را از مکلف می‌خواهد - فرق نهاده و یقین آور بودن را در قسم دوم ضروری نمی‌داند.^{۷۵} طبق این دیدگاه، حدیث «کنز مخفی» حتی اگر خبر واحد باشد، می‌تواند مورد نظر قرار گیرد. اما طبق دیدگاه نخست، خبر واحد در بخش اعتقادات، فاقد حجیت خواهد بود و یکی از اشکالات حدیث مورد بحث خواهد بود؛ همچنان که برخی مفسران معاصر با این رویکرد برای حدیث اشکال گرفته‌اند.^{۷۶}

۷۱. تفسیر و تحلیل و تقدیم مثنوی، ج ۲، ص ۳۵۶.

۷۲. احادیثی که بیشتر با «من بلغه...» آغاز شده و بیانگر تسامح در احادیث ضعیف مربوط به امور مستحبی است (ر.ک.: رسالت فی التسامح فی أداء السنن، ص ۱۴۴-۱۴۲).

۷۳. ر.ک: رسائل فقهیه، ص ۱۳۷.

۷۴. شرح اصول الکافی، ج ۷، ص ۳۶۱.

۷۵. مصباح الاصول، ص ۲۳۷.

۷۶. ر.ک: تفسیر م Thornton، ج ۲۲، ص ۳۹۴.

پس از مباحث سندی اندکی به وضعیت محتوای حدیث نیز می‌پردازیم:
متن حدیث ادعایی نیز با اشکالاتی رو به روست که برخی از عارفان یا فیلسوفان کوشیده‌اند به آنها پاسخ گویند.

اولین چالشی که به نظر ما فراپیش متن قرار دارد، به واژه کنز مربوط می‌شود. گرچه از منظر اهل معرفت تعبیر کنز یا گنج کنایه از دارایی و غنای ذات حق تعالی است، اما تشبیه خداوند به کنز چندان درست به نظر نمی‌رسد؛ زیرا واژه کنز یا گنج، مارابه یاد سکه و اشیای قیمتی و صندوق گنج می‌اندازد و این‌ها مستلزم رهیافت کثوت و جمعیت به ذات حق است. همچنین اگر معنای کنز را همان ظرف نگهدارنده شیء قیمتی بدانیم،^{۷۶} تهی بودن درون را به ذهن تداعی می‌کند و خداوند که صمد است - از این وصف منزه است. مؤید این اشکال، یافت نشدن آیه یا حدیثی معاضد است که خداوند را به کنز تشبیه نموده باشد!

اشکال دیگر، مربوط به تعبیر «مخفیان» است. خفاء امری نسبی و لازمه آن وجود مخفی و مخفی علیه (پنهان و پنهان شونده) است. در اینجا مخفی علیه نمی‌تواند خدا باشد؛ زیرا ذاتاً و ازلاً آشکار و هویداست.

همچنین، نمی‌تواند مراد از آن، مخلوقات باشد؛ زیرا آفریده‌ها از ازل موجود نبوده‌اند تا خداوند از آنها مخفی باشد؛ مخلوقات خود مسبب خفایند نه سبب آنها! پس خداوند از چه چیزی مخفی است؟^{۷۷} افزون بر این، آیا درست است بر خداوند که وجودی آشکار و هویدا دارد، مخفیان احلاق شود؟

عارفان به این پرسش چنین پاسخ گفته‌اند که:

الف: مراد از خفا نبودن موجودی غیر از خدا است که عارف به او باشد و خدا خواسته تا تعداد عارفین به او فزونی گیرند. از این رو، آنان را آفرید. مؤید این جواب، نقل واژه «لم اعرف» به جای مخفیان در برخی متون است.

ب: همان طور که قبل اشاره شد، خفا از اضداد است و معنای ظهور و کتمان می‌دهد و در اینجا مراد، ظهور است.

ج: معنای جمله این است که «کنت ظاهراً فی غایة الظهور». و اگر چیزی به شدت ظاهر باشد، مخفی و نیازمند حجاب خواهد بود؛ مانند خورشید که از شدت نور وجود حجاب را

۷۶. کتاب العین، ص ۴۲۱؛ لسان العرب، ج ۵، ص ۴۰۱.

۷۷. مجموعه رسائل للسلفی صدر المتألهین، ص ۳۵۶؛ «شرح حدیث کنت کنزاً مخفیان»، ص ۲۸؛ ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۱۱، ص ۴۸.

ضروری می‌کند.^{۷۹}

د: مراد از مخفی، مرتبه اعیان ثابت است که از لی هستند. توضیح، این که خداوند مراتب و تجلیاتی دارد:

۱. مرتبه اول مقام لاعین است که آن را مرتبه هویت و اطلاق گویند. خداوند در این مرتبه هیچ قیدی ندارد و به اصطلاح «وجود لا بشرط مقسمی» دارد.^{۸۰} مرتبه اطلاق به حسب رتبه مقدم بر تقييد است. «ناء» در کنت کنزاً اشاره به اين مرتبه است.

۲. مرتبه بعدی تعیین برای ذات لا تعین و تجلی ذات است برای ذات. اين مرتبه عبارت است از علم ذات به ذات به نحو اجمال؛ به طوری که ذات الهی به نحو اجمال و بساطت کمالات ذاتیه را مشاهده می‌کند. اين مرتبه را عرفاً «احديث» می‌گويند. در اين مرتبه فقط اطلاق کنزيت می‌شود و حکم به تفصیل سایر صفات نمی‌شود.

۳. مرتبه بعدی تجلی عشقی است که از لوازم تجلی علمی است. در اين مرتبه به خاطر اين که ذاتش در نهایت جمال و کمال است، پس عاشق و محب ذات خواهد بود و لذا گفته می‌شود: «انه تعالیٰ مرید بذاته»، کلمه «فاحبیت» در حدیث اشاره به اين مرتبه است.

۴. بعد از تجلی علمی و عشقی ذات حق تعالیٰ کمالات خود را به نحو تفصیل مشاهده می‌کند و اولین کثرت در هستی به وجود می‌آید. در نتیجه کمالات صفاتیه از یکدیگر جدا شده و گفته می‌شود: هو العلم و القدرة و الحياة و الارادة، و السمع و البصر و الكلام. و با ملاحظه صفات ذاتیه با ذات اسمی سبعه، یعنی عالم و قادر، حی، سمیع، بصیر، مرید و متکلم محقق می‌شود. از اين مرتبه به مرتبه «واحدیت» تعبیر می‌شود. هر اسمی از اين اسمی لوازمی دارد؛ مثلًا عالم که بدون معلوم نیست. از اين لوازم به اعيان ثابت تعبیر می‌شود. همه اعيان ثابت به وجودی واحد و بسيط در ذات الهی موجودند.

۵. در تجلی چهارم، اعيان ثابت به واسطه فيض مقدس وجود خارجي پیدا کرده و در جهان هستی پا به عرصه وجود می‌گذارند. «فالحقت الخلق» اشاره به اين مرتبه است.

۶. نتیجه خلقت پروردگار ظهور خودش است در مرتبه واحدیت. واحدیت ظهور علمی داشت و در اينجا ظهور فعلی دارد که عبارت «لکی اعراف» اشاره به اين ظهور فعلی است: یعنی «لکی اظهرا».^{۸۱}

مرحوم شعرانی می‌گوید:

۷۹. ر.ک: مجموعه رسائل فلسفی صدرالعلنالهین، ص ۳۵۷.

۸۰. سیر تکاملی و اصول و مسائل عرفان و تصوف، ص ۲۱۳.

۸۱. ر.ک: فلسفه آفریبیش، ص ۳۰۰؛ ریحات البخار، ص ۱۵۴-۱۴۳؛ شدراز المعارف، ۷۳-۸۰.

این حدیث مستلزم راه یافتن نقص و کاستی به ساحت ذات خداوند است؛ نقصی که از رهگذر خلقت اشیا بر طرف می‌شود؛ در حالی که افعال حق تعالی، مانند خلقت، هیچ‌گاه به علل غائی و غیری منتهی نمی‌شود.^{۸۲}

پاسخ به این شبیهه نیز با توجه به آیه «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّةِ وَالْأَنْسَابَ لِيَعْبُدُونَ»^{۸۳} واضح می‌گردد؛ یعنی غرض به ذات الهی بر می‌گردد؛ یعنی آفرینش تجلی ذات خداوند می‌شود.^{۸۴}

نتیجه

باتوجه به آنچه گذشت، قرایین و شواهد فراوانی برای اثبات این مدعای وجود دارد که حدیث کنز مخفی از خداوند و معصوم صادر نشده است؛ قرایینی از قبیل: چالش برانگیزبودن الفاظ حدیث، اعتراف محی الدین که منبع آن را عبارت از مکاشفه دانسته است، نیافتن هیچ گونه سند و منبع قابل ملاحظه حدیثی، دیدگاه محققان و یا محدثانی که آن را جعلی دانسته‌اند. پنا براین، به گمان ما حدیث ساخته متصرفه است و شایسته نیست که آن را به عنوان حدیث تلقی کرده و سپس احکام حدیث را بر آن جاری سازیم؛ گرچه نلاش عارفان و فیلسوفان در شرح و توضیح آن ستودنی است، اما فقط باید آن را عبارت عرفانی دانست که قسمتی از مفاد آن با قرآن می‌تواند مطابقت یابد یا دست کم مخالف نباشد. و فراتراز این، دلیل و شاهدی را با خود به همراه ندارد.

كتابنامه

- آداب الصلوة، روح الله موسوی خمینی ره، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، اول، ۱۳۷۰ش.

- احتجاج الحق و ازهاق الباطل، قاضی نورالله شوشتري، قم: مکتبة آیت الله المرعشی، ۱۴۰۹ق.

- اسرار الحكم، تصحیح کریم فیضی، ملا هادی سبزواری، قم، مطبوعات دینی، اول، ۱۳۸۲ش.

- الاسرار المرفوعة فی الاخبار الموضوعة، نورالدین علی بن محمد قاری، تحقيق: محمد الصباغ، بیروت: موسسۃ الرسالۃ، ۱۳۹۱.

- اصول المعارف، ملا محسن فیض کاشانی، تعلیق و تصحیح و مقدمه: سید جلال الدین آشتیانی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، سوم، ۱۳۷۵ش.

- اندیشه سیاسی اخوان الصفا، علی فریدونی، قم: بوستان کتاب، اول، ۱۳۸۰ش.

- ایضاح المکنون، اسماعیل پاشا بغدادی، تصحیح: محمد شرف الدین، بیروت: دار احیاء التراث

^{۸۲} شرح اصول الکافی، ج ۱، ص ۲۲.

^{۸۳} سوره ذاریات، آیه ۵۶.

^{۸۴} العین، ج ۱۸، ص ۳۸۶.

- العربي، بي تا.

- بحار الأنوار، محمد باقر مجلسی، بيروت: دار احياء التراث العربي، سوم، ١٤٠٣ق.

- تاريخ گزیده، حمد الله بن ابی بکر بن احمد مستوفی، تحقيق: عبد الحسین نوابی، تهران: امیر کبیر، ١٣٦٤ش.

- ذکرة الموضوعات، محمد طاهرین علی فتنی، بي جا، بي تا.

- ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، محمد تقی جعفری، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، هفتم، ١٣٧٦ش.

- تفسیر المحیط الاعظم والبحر الخضم، سید حیدر آملی، تحقيق: سید محسن موسوی تبریزی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، سوم، ١٤٢٢ش.

- تفسیر المراغی، احمد بن مصطفی مراغی، بيروت: دار احياء التراث العربي، بي تا.

- تفسیر بیان السعادۃ فی مقامات العبادة، سلطان محمد گنابادی، بيروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، دوم، ١٤٠٨ق.

- تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، نظام الدین حسن بن محمد نیشاپوری، تحقيق: شیخ زکریا عمیرات، بيروت: دار الكتب العلمیة، اول، ١٤١٦ق.

- تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، قم: دارالکتب الاسلامیة، اول، ١٣٧٤ش.

- تفسیر و تحلیل و تقدیم، محمد تقی جعفری، تهران: چاپخانه حیدری، ١٣٤٩ش.

- تفصیل وسائل الشیعہ، محمد بن حسن حرعامی، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، دوم، ١٤١٤ق.

- تمہید القواعد، علی بن محمد صائن الدین، تصحیح: سید جلال الدین آشتیانی؛ تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و آموزش عالی، ١٣٦٠ش.

- نزیہ الشریعة المرووعة عن الأحادیث الشنیعة الموضوعة، أبي الحسن علی بن محمد بن عزّاق ابن کنانی، تحقيق: عبد الوهاب عبد اللطیف و عبد الله بن محمد الغماری، بي جا: دار الكتب العلمیة، ١٩٨١م.

- جامع الأحادیث القدسیة، ابو عبد الرحمن عصام الدین صابطی، بي جا، بي تا.

- جامع الأسرار و ضبط الأنوار، سید حیدر آملی، بي جا: انتشارات علمی و فرهنگی وزارت فرهنگ و آموزش عالی، اول، ١٣٦٨ش.

- الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة، محمد بن ابراهیم صدر المتألهین، بيروت: دار احياء التراث، سوم، ١٩٨١م.

- خاتم النبیین ﷺ، محمد ابو زهره، قاهره: دار الفكر العربي، ١٤٢٥ق.

- الدرة الفاخرة، عبد الرحمن جامی، به اهتمام: نیکولا ھیر و علی موسوی، تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی، ١٣٥٨ش.

- الذرية الى تصانيف الشيعة، آقا بزرگ محمد محسن تهرانی، بيروت: دار الاضواء، دوم، ١٤٠٣ق.
- رسائل ابن عربی، محی الدین ابن عربی، تحقيق: قاسم محمد عباس و حسین محمد عجیل، ابوظبی: منشورات مجمع الثقافی، اول، ١٩٩٨م.
- رسائل اخوان الصفا و خلان الوفاء، تحقيق بطرس البستانی، بيروت: الدار الاسلامیة، اول، ١٤١٢ق.
- رسائل فقهیه، مرتضی انصاری، قم: باقری، اول، ١٤١٤ق.
- رسالة النصوص، صدر الدین محمد بن اسحاق قونوی، مشهد: مرکز نشر دانشگاهی، بی تا.
- رسالة فی التسامح فی أدلة السنن، مرتضی انصاری، قم: کتابفروشی مفید، ١٤٠٤ق.
- رساله در حقیقت و کیفیت سلسله موجودات و تسلسل اسباب و مسیبات، شیخ الرئیس ابوعلی حسین بن عبدالله ابن سینا، تصحیح: دکتر موسی عمی، همدان: دانشگاه بوعلی سینا، دوم، ١٤٢٨٣ش.
- رشحات البحار، محمد علی شاه آبادی، تهران: نهضت زنان مسلمان، ٠١٣٦٠ش.
- روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، سید محمود آلوسی، تحقيق: علی عبدالباری عطیه، بيروت: دارالكتب العلمیة، اول، ١٤١٥ق.
- سیر تکاملی و اصول و مسائل عرفان و تتصوف، سید یحیی بیرونی، تبریز: دانشگاه تبریز، ١٣٦٨ش.
- شذرات المعرف، محمد علی شاه آبادی، تصحیح: بنیاد علوم و معارف اسلامی دانش پژوهان، تهران: ستاد بزرگداشت مقام عرفان و شهادت، اول، ١٣٨٠ش.
- شرح اصول الكافی، ملا محمد صالح مازندرانی، با تعلیقه: می رزا ابوالحسن شعرانی؛ بی جا، بی تا.
- شرح نهج البلاغه، فخر الدین ابو حامد ابن ابی الحدید، تحقيق: محمد ابوالفضل ابراهیم؛ بی جا؛ دارالكتب العربیة، اول، ١٣٧٩ق.
- الصحاح ناج اللغة و صحاح العربیة، اسماعیل بن حماد جوهری، تحقيق: احمد بن عبد الغفور عطار، بيروت: دار العلم للملائیین، چهارم، ١٤٠٧ق.
- طبقات الصویبة، خواجه عبدالله انصاری هروی، تصحیح: محمد سرور مولایی، بی جا: انتشارات تویس، ١٣٦٢ش.
- عقلة المستوفی، محی الدین ابن عربی، نسخه عکسبرداری شده از لندن: چاپخانه بریل، ١٣٣٦ق.
- عوالی اللئالی العزیزیة فی الاحادیث الدینیة، محمد بن علی ابن ابی جمهور، قم: سید الشهداء، اول، ١٤٠٣ق.
- الفتاوى الکبری، تقی الدین أبو العباس احمد بن عبد الحلیم ابن تیمیه، بی جا: دارالكتب العلمیة، جاپ اول، ١٤٠٨ق.

- الفتورات المكية، محى الدين ابن عربى، تحقيق: عثمان يحيى، مصر: بي تا، دوم، ١٤٠٥ق.

-الفتوحات (٤ جلد)، محى الدين ابن عربى بيروت: دار الصادر، بي تا.

-فصول الحكم، محى الدين ابن عربى، بي جا: انتشارات الزهراء، دوم، ١٣٧٦ش.

-فلسفه آفرینش، عبد الله نصرى، قم: دفتر نشر معارف، دوم، ١٣٨٦ش.

- فيه ما فيه (براساس نسخه فروزانفر)، به کوشش: زبيب یزدانی، تهران: انتشارات عطار و فردوس، اول، ١٣٧٨ش.

-كتاب العين، خليل بن احمد فراهيدى، تحقيق: مهدى مخزومى و ابراهيم سامری، قم: دار الهجرة، دوم، ١٤٠٩ق.

-كسر الاصنام العجائليه، محمد بن ابراهيم صدر المتألهين، تصحيح: دکتر جهانگيري، تهران: بنیاد حکمت صدرا، اول، ١٣٨١ش.

-كشف الاسرار وعدة الابرار، رشید الدين میبدی، تحقيق: على اصغر حکمت، تهران: امير کبیر، پنجم، ١٣٧١ش.

-كشف الغفاء ومزيل الالباس عما اشتهر من الاحاديث على السنة الناس، اسماعيل بن محمد عجلوني، بيروت: دار الكتب العلمية، سوم، ١٤٠٨ق.

-كشف الظنون عن اسامي الكتب والفنون، حاجی خلیفه، بيروت: دار احياء التراث العربي، بي تا.

-اللؤلؤ المرصوع فيما لا اصل له او باصلة موضوع، ابو المحاسن محمد بن خليل قاوقجي، تحقيق: فواز احمد زمرلى، بيروت: دارالبشاير الاسلامية، ١٤١٥ق.

-اللآلئ المنشورة في الأحاديث المشهورة، بدر الدين أبي عبد الله محمد بن عبد الله زركشى، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، بيروت: دار الكتب الاسلامية، ١٤٠٦ق.

-لسان العرب، ابوالفضل جمال الدين محمد بن مكرم ابن منظور، قم: نشرادب الحوزة، اول، ١٤٠٥ق.

-مشوى معنوی (براساس نسخه قوئیه)، جلال الدين محمد بلخی مولوی، به اهتمام: پرویز عباسی داکانی، تهران: نشر الهام، سوم، ١٣٨٧ش.

-مجموعه رسائل فلسفی صدر المتألهین، محمد بن ابراهيم صدر المتألهین، تحقيق و تصحيح: حامد ناجی اصفهانی، تهران: حکمت، اول، ١٣٧٥ش.

-مجموعه رسائل ومصنفات کاشانی، کمال الدين عبد الرزاق کاشانی کاشانی، تصحيح و تعليق: مجید هادی زاده، تهران: میراث مكتوب، دوم، ١٣٨٠ش.

-مستدرک سفينة البحار، شیخ علی نمازی، تحقيق: حسن نمازی؛ قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ١٤١٩ق.

- مشارق الدراری، سعید الدین سعید فرغانی، مقدمه و تعلیقات: سید جلال الدین آشتیانی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، دوم، ۱۳۷۹ش.
- مصباح الاصول (تقریرات مرحوم خویی)، سید محمد سرور واعظ حسینی بهسودی، قم: کتابخانه داوری، ۱۴۱۷ق.
- مصباح الانس، محمد بن حمزه فناری، تصحیح: محمد خواجه، تهران: انتشارات مولی، اول، ۱۳۷۴ش.
- معجم المطبوعات العربية والمصرية، یوسف البیان سرکیس، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۱۰ق.
- معراج السعاده، ملا احمد نراقی، قم: هجرت، ۱۳۷۷ش.
- مفاتیح الغیب، محمد بن ابراهیم صدر المتألهین، تصحیح: محمد خواجه، تهران: موسسه تحقیقات فرهنگی، اول، ۱۳۶۳ش.
- المفردات فی غرب القرآن، ابی القاسم حسین بن محمد راغب اصفهانی، بی جا: دفتر نشر الكتاب، اول، ۱۴۰۴ق.
- المقاصد الحسنة فی بیان کثیر من الأحادیث المشتهرة علی الألسنة، عبد الرحمن سخاوی، بی جا: دار الكتب العربی، بی تا.
- محمد الهم در شرح فصوص الحكم، حسن حسن زاده آملی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اول، ۱۳۷۸ش.
- موسوعة مصطلحات الامام فخر الدین الرازی، سمیح دغیم، بیروت: مکتبة لبنان ناشرون، اول، ۲۰۰۱م.
- المیزان فی تفسیر القرآن، محمد حسین طباطبائی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، پنجم، ۱۴۱۷ق.
- «حدیث کنز مخفی و سیر تاریخی آن»، علی خادم، کیهان فرهنگی، دی ۱۳۶۶ش، شماره ۴۶.
- «شرح حدیث کنت کنز مخفیاً منسوب به نجم الدین رازی»، محمد تقی دانش پژوه، جاویدان خرد، بهار ۱۳۵۶ش، شماره ۳.